

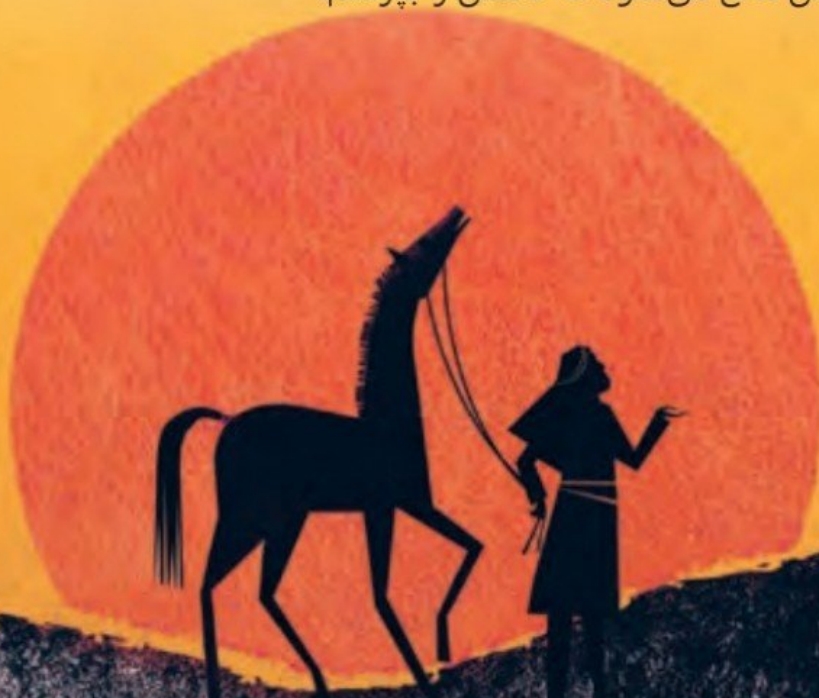


## دست در دست دوست

غروب حیرت‌انگیزی است.  
 آسمان حالت دیگری دارد.  
 پرنده‌گان هرکدام راهی لانه‌ی خود شده‌اند.  
 روشنایی روز کم‌کم در حال بی‌رمق شدن است.  
 انگار اتفاق عجیبی در راه است.  
 شب شگفتی است.  
 حس دیگری دارم.  
 سوار بر اسب به سمت حرم سیدالشهداء (علیه‌السلام)، پیش می‌روم.  
 تنهایی، تاریکی، سکوت،  
 نسیم خنکی در حال وزیدن است.  
 حال دیگری دارم.  
 گویا کسی مرا به خود می‌خواند.  
 مگر قرار است چه اتفاق مهمی بیفتد؟  
 صدای باد، همدم من در آن فضای تاریک است.  
 اما من، آرام و بی‌صدا در دل ذکر می‌گویم.



اللّٰهُ اَكْبَرُ، اللّٰهُ اَكْبَرُ ...  
الحمد لله، الحمد لله ...  
سبحان الله، سبحان الله ...  
از فاصله‌ای نه چندان دور، صدایی توجّه مرا به خود جلب می‌کند.  
گوش خود را به باد می‌سپارم.  
گویی صدای پای کسی است.  
آرام آرام نزدیک می‌شود.  
نزدیک و نزدیک‌تر،  
باوقار، سنگین و نرم،  
دیگر فاصله‌ای نمانده است، چهره‌اش را به خوبی می‌بینم.  
مردی بلندبالا، خوش‌سایما و دوست‌داشتنی،  
از دیدن چهره‌ی زیبا و روحانی او و همچنین لبخند شیرینش، آرامشی در من ایجاد شده است.  
مانده‌ام چه بگویم، واژه‌ها تاب عظمت او را ندارند.  
سلام می‌کند و مرا به نام صدا می‌زند و می‌پرسد: «در این شب جمعه به کجا می‌روی، ای شیخ حسن حلّی؟»  
خدایا، او کیست؟  
نام مرا از کجا می‌داند؟  
در این وقت شب با من چه کار دارد؟  
شکوه و عظمتش مانع می‌شود که نامش را بپرسم.



می‌گویم: «برای زیارت به حرم آقا و مولایم امام حسین (علیه‌السلام) می‌روم». چیزی نمی‌گوید؛ اما چهره و نگاهش بیان‌کننده‌ی رضایت قلبی او از این کار است. سکوتی معنادار حکمفرما شده است. در کنار یکدیگر به سمت حرم حرکت می‌کنیم. به دقت، حرکات و رفتارشان را نظاره می‌کنم. حالم دگرگون است.

نمی‌دانم چه بگویم و چگونه بر این حالت خود مسلط شوم. سخنانی کوتاه بین من و او رد و بدل می‌شود. چقدر دوست دارم این گفت‌وگو ادامه پیدا کند. سؤالاتی چند از آن بزرگوار می‌پرسم.

با کمال حیرت، سؤالات را یک به یک و به آسانی هرچه تمام‌تر پاسخ می‌گوید. احساس می‌کنم با مرد فاضل و دانشمندی روبه‌رو هستم؛ لذا فرصت را غنیمت می‌شمرم و سؤالات دیگری که ذهنم را به خود مشغول کرده و تا آن زمان برای آنها جواب مناسبی نیافته‌ام، می‌پرسم.

پرسش‌ها و پاسخ‌های روشن در پی هم تا اینکه مسئله‌ای می‌پرسم و او پاسخی می‌دهد. به نظرم سند سخن را در کتاب و روایتی ندیده‌ام. با مهربانی به من می‌فرماید: «هنگامی که به منزل بازگشتی فلان کتاب را باز کن، فلان صفحه و فلان سطر آن را بخوان».

ناگهان به خود می‌آیم و با خود می‌گویم، شاید این شخص که در کنارم می‌آید و چنین مطلع و آگاه است، مولای عزیزم امام زمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) باشد. برای اینکه واقعیت برایم معلوم شود، می‌پرسم: «آیا من می‌توانم حضرت صاحب‌الزّمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) را ببینم یا نه؟»

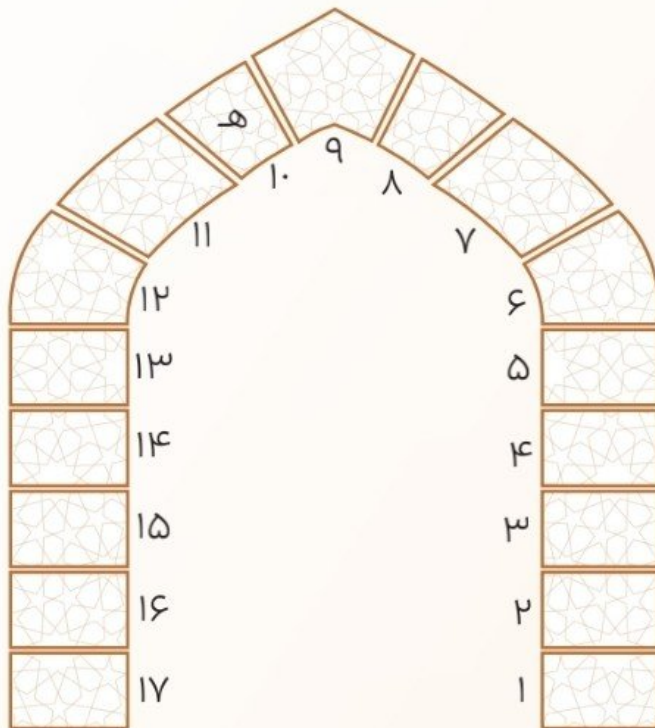
در همین حال کمی به من نزدیک‌تر می‌شود و دستش را در دستم می‌گذارد و این جمله‌ی به‌یادماندنی را بر زبان می‌آورد که: «چگونه صاحب‌الزّمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) را نمی‌توان دید و حال اینکه دست او در دست توست؟»

با شنیدن این سخن بی‌اختیار از شدت شوق از حال می‌روم و بیهوش می‌شوم. وقتی به هوش می‌آیم با حیرت و شگفتی به اطراف می‌نگرم تا شاید روی زیبای او

را دوباره ببینم. مات و حیران مانده‌ام، دستی به سر و صورتم می‌کشم و دقیق‌تر به دور و بر خود نگاه می‌کنم؛ اما کسی را نمی‌بینم. افسوس که او رفته است. باران اشک امانم نمی‌دهد. لحظه‌ای چهره‌ی زیبای او را فراموش نمی‌کنم. ... اینک من مانده‌ام و حسرت دیدار دوباره.

### کامل کنید

پاسخ سؤالات زیر را به ترتیب اعداد جدول بنویسید؛ سپس حروف را به ترتیب، کنار هم بگذارید و بخوانید. جمله‌ی به دست آمده، یکی از سخنان امام زمان (علیه السلام) است.



- ۱- اگر جایی آب نداشتیم برای نماز خواندن به جای وضو آن را انجام می‌دهیم. (۱۶-۱۷-۱۲)
- ۲- شهر امام رضا (علیه السلام) است. (۱۱-۱۴-۷)
- ۳- با گرفتن آن، نماز آیات واجب می‌شود. (۸-۱۳-۹)
- ۴- تعداد امامان بعد از امام حسین (علیه السلام) (۲-۱۴)
- ۵- حیوانی که به نام ذوالجناح می‌شناسیم. (۳-۱۵-۶)

امام زمان (علیه السلام) می‌فرماید:

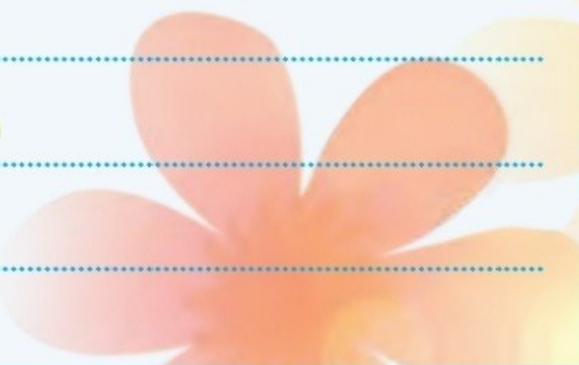
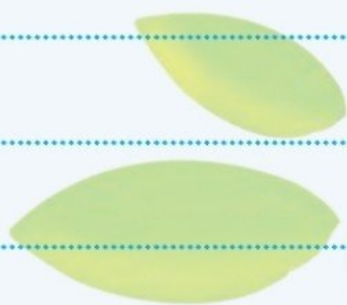
«.....»

به نظر شما این جمله با موضوع درس چه ارتباطی دارد؟

## نامه‌ای به دوست

نامه‌ای به امام زمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) بنویسید و هر چه می‌خواهید به او بگویید و هر چه دوست دارید از او بخواهید.

A large rectangular box with a light blue background and a teal border, containing ten horizontal dotted lines for writing a letter.



## عهد با دوست

سال گذشته در درس «خورشید پشت ابر»، عهد‌هایی با امام زمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) بستید.

آیا عهد‌های خود را به خاطر می‌آورید؟ فکر می‌کنید چقدر در انجام دادن آنها موفق بوده‌اید؟

اگر امسال بخواهید پیمان خود را با امام زمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) تجدید کنید، چه عهد‌هایی با او می‌بندید؟

🌀 قول می‌دهم که از امروز.....

• .....

🌀 تلاش می‌کنم تا.....

• .....

## گفت‌وگو کنید

فکر کنید و با مشورت دوستانتان بگویید ما چگونه می‌توانیم از توجّه امام زمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) و دعا‌های ایشان بهره‌مند شویم؟

## با خانواده

چه دعا‌هایی درباره‌ی امام زمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) می‌شناسید؟

۱- عهد یعنی: قول و قرار با کسی

۱- علامه ی حلی برای زیارت به حرم کدام امام رفته بود ؟

**پاسخ:** امام حسین (ع)

۲- علامه ی حلی در راه با چه کسی دیدار کرد؟

**پاسخ:** امام زمان (عج)

۳- چه کسی با امام زمان دیدار کرد ؟

**پاسخ:** علامه حلی

۴- در راه سفر به کربلا، علامه حلی چرا در لحظات اول دیدار با امام

عصر (عج) نام ایشان را نمی پرسد؟

**پاسخ:** شکوه و عظمت امام مانع می شود نامش را بپرسد.

۵- در مورد زندگی علامه حلی بگویید ایشان چه ویژگی هایی داشت

که به دیدار امام زمان (عج) موفق شد؟

**پاسخ:** او عارف و فقیه برجسته ی شیعه و از هر نظر مصداق یک انسان

بود او عاشق فرزندان فاطمه زهرا(س) بود و دیگران را نیز به این امر

سفارش می کرد ایشان همیشه به یاد امام زمان(عج) بود و برای دیدن

امام بسیار تلاش می کرد و برای سلامتی و ظهور ایشان دعا می کرد

۶- اگر جایی آب نداشتیم برای نماز خواندن به جای وضو چه کاری باید انجام دهیم؟

**پاسخ:** باید تیمم کنیم

۷- چه حیوانی نام ذوالجناح است؟

**پاسخ:** اسب

۸- حدیث «من به یاد همه‌ی شما هستم» از کیست؟

**پاسخ:** امام زمان (علیه السلام)

۹- ما چگونه می‌توانیم از توجه امام زمان (عج) و دعاهای ایشان بهره‌مند شویم؟

**پاسخ:** رفتار و اخلاق و نیتان را خوب کنیم و با کارهای خوب به او نزدیک‌تر شویم.

۱۰- چه دعاهایی درباره‌ی امام زمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) می‌شناسید؟

**پاسخ:** دعای فرج امام زمان (الهی عظم البلاء)

دعای سلامتی امام زمان (اللهم کل الولیک...)

دعای عهد

دعای ندبه

ال یاسین



۱) اگر امسال بخواهید عهد خود را با امام زمان تجدید کنید چه عهدهایی با او می بندید؟

**پاسخ:** کارهای خوب انجام می دهیم.

نماز می خوانیم.

به دیگران کمک می کنیم.

درس می خوانیم.